

ارزیابی فقر چند بعدی در عشایر کوچنده ایران

علی یوسفی، حسن اسدی خوب، محسن افشاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۳۰

چکیده

هدف این بررسی، سنجش و مقایسه فقر چند بعدی در ایل‌های عشایر کشور، با استفاده از روش ال‌کایر و فوستر می‌باشد. در این بررسی، با استفاده از دو حد آستانه محرومیت درون و بین ابعاد، توزیع و شدت فقر محاسبه می‌شود. شاخص فقر بنا بر شاخص فقر چند بعدی برنامه عمران ملل متحد شامل سه بعد آموزش (چهار معیار)، سلامت و بهداشت (پنج معیار) و استاندارد زندگی (هشت معیار) می‌باشد. داده‌های مورد نیاز این بررسی را نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران تشکیل می‌دهد. نتایج نشان داد که ۴۲ درصد ایل‌ها در دست کم ۳۰ درصد معیارها محروم و به طور میانگین شدت فقر آنها ۴۶ درصد می‌باشد. همچنین، محرومیت ایل‌ها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده است. از سویی، ارتقاء وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به ویژه دختران و زنان، بیشترین تاثیر را در کاهش فقر دارد که در هدف‌های توسعه هزاره نیز بر آن تاکید شده است.

طبقه‌بندی JEL : I۲۵, I۱۵, P۴۶, I۳۲

واژه‌های کلیدی: فقر چند بعدی، روش ال‌کایر و فوستر، عشایر، رهیافت قابلیت.

مقدمه

شناسایی فقرا و روش‌های فقرزدایی از مهم‌ترین مسائل پیشروی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. در دهه‌های اخیر، فقر مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی و جهانی قرار گرفته است، به طوری که سالانه پژوهش‌ها، برنامه‌ها و کنفرانس‌های پرشماری برای چاره‌اندیشی درباره آن برگزار می‌شود (باچراچ و بارتز، ۱۹۷۰؛ نولان و ویلان، ۱۹۹۶ و گیلدر، ۲۰۱۲). رویکرد اصلی و محوری در بیشتر تحلیل‌های اقتصادی اعم از اقتصاد کلاسیک و اقتصاد توسعه رویکردی مبتنی بر درآمد می‌باشد. از این‌رو، در سنجش فقر، درآمد عامل تعیین کننده سطح زندگی مادی هر فرد تلقی می‌شود (روجاس، ۲۰۰۸؛ آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۰؛ محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). بنابراین، فقر را به طور معمول برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت تعریف کرده‌اند. توفیق نیافتن بسیاری برنامه‌های توسعه معطوف به فقر و نابرابری، نارسائی‌های جدی نگاه محدود و ایزاری معطوف به درآمد (درآمد محوری) را نشان می‌دهد (سن، ۲۰۰۰). آمارتیا سن، اقتصاددان معروف هندی با انتقاد از سایه سنگین درآمد محوری بر همه‌ی جنبه‌های موضوع-های اقتصادی مانند فقر، نابرابری، رشد و توسعه، رویکرد «قابلیت انسانی» را به جای نگاه درآمد محوری در تحلیل‌های اقتصادی ارائه نمود (سن، ۱۹۸۵؛ سن، ۱۹۹۳). به باور سن، هدف نهایی توسعه گسترش دامنه‌ی گزینش انسان‌ها و فرآیند رو به گسترش آن است. بنابراین، فقیر کسی نیست که درآمد ندارد، بلکه کسی است که نمی‌تواند از وضعیت فقر خارج شود. بنابر این دیدگاه، فقر را باید به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت، نه تنها کم و بیش بودن درآمدها و مخارج که معیار متعارف شناسایی فقرا است. بر پایه همین دیدگاه، از سال ۱۹۹۰، درجه توسعه‌یافتگی کشورها بر پایه شاخص توسعه انسانی مبتنی بر سه قابلیت انسانی زندگی سالم و طولانی (امید به زندگی)، دسترسی به دانش و آگاهی (آموزش) و استاندارد زندگی (درآمد) مورد سنجش قرار می‌گیرد (مک‌گیل‌وری و نوربخش، ۲۰۰۷؛ کلوگمن و همکاران، ۲۰۱۰). با وجود اینکه رویکرد قابلیت پایه‌های مفهومی و نظری قابل قبولی دارد، هنوز در حوزه ارزیابی کاربردی فقر، گسترش چندانی نیافته و بررسی‌های محدودی در زمینه شناسایی فقرا و شدت فقر انجام پذیرفته است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴؛ فییرا، ۲۰۱۱؛ راوالیون، ۲۰۱۱).

در کشور پژوهش‌های فراوانی فقر را مبتنی بر رهیافت درآمد محور اندازه‌گیری نموده‌اند که می‌توان به نتیجه بررسی‌های صمدی (۱۳۷۸)، شوشتریان (۱۳۸۶)، شیروانیان و اسماعیلی (

ارزیابی فقر چند بعدی... ۴۹

۱۳۸۸)، خدادکاشی و حیدری (۱۳۸۸)، صالحی اصفهانی (۲۰۰۹) و افتخاری و همکاران (۱۳۹۱) اشاره نمود. ویژگی مشترک همه‌ی این بررسی‌ها آن است که فقر را به صورت تک بعدی بر پایه درآمد و یا هزینه‌های خانوار سنجیده‌اند. از دیگر سوی، پژوهش‌های اندکی در زمینه سنجش فقر چند بعدی در کشور صورت پذیرفته است؛ علی‌مددی (۱۳۸۷)، شاخص فقر چند بعدی را برای سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ با در نظر گرفتن ابعاد درآمد، مسکن، تملک دارایی‌های بادوام، سلامت، تامین اجتماعی، اوقات فراغت و آموزش محاسبه نمود. شیروانیان و بخشوده (۲۰۱۲)، توزیع و شدت فقر را بر پایه ابعاد آموزش، مسکن، غذا، درآمد و سلامت در مناطق روستایی مورد ارزیابی قرار داده، نتیجه گرفتند که فقر به صورت چند بعدی پدیده‌ای همه‌گیر (اپیدمیک) در مناطق روستایی می‌باشد و سهم بالایی از فقر به ابعاد مسکن و آموزش مربوط می‌شود.

از جمله مهم‌ترین بررسی‌ها در زمینه شاخص فقر چندبعدی (MPI^۱)، شاخص جدید فقر گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل^۲ از سال ۲۰۱۰ می‌باشد. این شاخص، نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه‌ها در قابلیت‌های اولیه انسانی می‌باشد و الگوی متفاوت از فقر درآمدی را ارائه نموده است. چارچوب نظری این شاخص در موسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسورد تدوین شده است. این شاخص بر پایه روش ال‌کایر و فوستر^۳ است که با استفاده از دو حد آستانه^۴ محرومیت و فقر؛ توزیع و شدت فقر را محاسبه می‌نماید. MPI دارای سه بعد آموزش، سلامتی و استاندارد زندگی است که با استفاده از ده معیار اندازه‌گیری می‌شود. ابعاد، و معیارهای این شاخص در جدول (۱) نشان داده شده است (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱).

^۱ Multidimensional Poverty Index

^۲ United Nations Development Programme (UNDP)

^۳ Alkire and Foster method

^۴ Dual cutoff

جدول (۱) ابعاد و معیارهای شاخص فقر چند بعدی در گزارش توسعه انسانی UNDP

ابعاد	سلامت	استاندارد زندگی	آموزش
		۱- دسترسی نداشتن خانوار به برق؛	
		۲- دسترسی نداشتن خانوار به آب آشامیدنی مناسب؛	
	۱- مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال خانوار؛	۳- دسترسی نداشتن خانوار به امکانات بهداشتی مناسب؛	۱- ثبت نام نکردن یا ترک تحصیل فرزندان در سن مدرسه رفتن؛
معیارها	۲- سوء تغذیه هر یک از افراد بزرگسال و یا کودکان خانوار.	۴- کف اقامتگاه خانوار از خاک، شن، ماسه و یا کود باشد؛	۲- هیچکدام از افراد خانوار دوره ابتدایی را به پایان نرسانده باشد.
		۵ سوخت خانوار برای پخت و پز از چوب، ذغال سنگ یا کود حیوانی باشد؛	
		۶- خانوار دارای خودرو یا تراکتور نباشد یا اینکه دست کم از بین رادیو، تلویزیون، یخچال، دوچرخه و موتورسیکلت دو تا را نداشته باشد.	

مأخذ: برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱

از سویی، تهیه بسیاری از شاخص‌های ترکیبی سنجش سطح توسعه‌یافتگی از جمله شاخص توسعه انسانی (HDI) و شاخص فقر چند بعدی (MPI)، تلاشی برای پوشش کاستی‌های شاخص‌های تک‌بعدی مانند درآمد سرانه بوده است. البته این تلاش‌ها بدان معنی نمی‌باشد که معیار درآمد اثر تعیین‌کننده در توسعه یا فقر جامعه‌ها ندارد. بلکه، تاکید بر آن است که به جزء درآمد، متغیرهای تعیین‌کننده دیگری نیز وجود دارند. بنابراین، این شاخص‌ها باید نتایج متفاوت از شاخص‌های تک‌بعدی داشته باشند؛ در غیر این صورت محاسبه این شاخص‌ها اطلاعات متفاوتی در اختیار نمی‌گذارند و تهیه آنها ضرورتی نخواهد داشت. پژوهشگران مختلفی مانند مک‌گیل‌وری (۱۹۹۱)، مک‌گیل‌وری و وایت (۱۹۹۲)، کاهیل (۲۰۰۵)، مک‌گیل‌وری و نوربخش (۲۰۰۷) میزان همبستگی بین شاخص توسعه انسانی (HDI) و اجزاء آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. دوریک (۲۰۰۷)، در بررسی رابطه بین امید به زندگی و درآمد سرانه کشورها نشان داد که به ترتیب به ازاء هر ۱۵ و ۸ درصد افزایش در درآمد سرانه کشورهای ثروتمند و فقیر، امید به زندگی یکسال افزایش می‌یابد.

ایل‌ها و عشایر در ایران از فرهنگ‌ها، قوم‌ها، زبان‌ها و گویش‌های متفاوت با یکدیگر، در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منسجمی سامان یافته‌اند. عشایر کوچنده دارای سه ویژگی ساختار اجتماعی قبیله‌ای، شیوه زندگی مبتنی بر کوچ و اتکای معاش بر دامداری می‌-

ارزیابی فقر چند بعدی... ۵۱

باشند. به عبارتی، هر فرد این جامعه خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگتر و به طور معمول خویشاوند می‌داند و اغلب به آن افتخار می‌کند. از سویی، تأمین معاش خانوارهای عشایر متکی بر دامداری بوده و اگر منابع دیگری برای معاش وجود داشته باشد، حالت فرعی و جنبی دارد و چون معیشت عشایر کوچنده متکی بر دام‌هایی است که آن‌ها را در مراتع طبیعی می‌چرانند؛ لذا با تغییر فصل از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر کوچ می‌کنند و فصل سرد را در قشلاق و فصل گرم را در ییلاق بسر می‌برند. بر پایه نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، شمار ۲۱۲۶۶۰ خانوار عشایری با ۱۱۸۶۸۳۰ نفر جمعیت در سطح کشور وجود داشته است. شمار خانوارها و جمعیت عشایر کوچنده نسبت به سرشماری عشایری سال ۱۳۷۷ به ترتیب حدود ۶ و ۹ درصد افزایش و کاهش را نشان می‌دهد که نشانگر شکسته شدن خانوارهای گسترده به خانوارهای هسته‌ای است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

عشایر کوچنده یکی از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های موجود در جامعه‌ها، به دلیل سیاست دولت‌ها، ماهیت زندگی و وابستگی آنها به طبیعت است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه تاکنون وضعیت فقر عشایر در کشور مورد بررسی قرار نگرفته است؛ این بررسی به دنبال ارزیابی فقر به صورت چند بعدی در ایل‌های عشایر کشور می‌باشد. همچنین، با توجه به اهمیت گزینش مقادیر آستانه محرومیت و فقر در روش آلتکایر و فوستر، حساسیت میزان و شدت فقر نسبت به این مقادیر ارزیابی می‌شود. در پایان، رابطه بین شاخص فقر چند بعدی و اجزاء آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

این بررسی میزان و شدت فقر را به صورت چند بعدی در میان ایل‌های عشایر کشور، با استفاده از روش الکایر و فوستر محاسبه می‌نماید. مبانی نظری این روش به شرح زیر می‌باشد:

n نشانگر شمار افراد جامعه و $d \geq 2$ شمار ابعاد مد نظر در شاخص فقر می‌باشد. $y = [y_{ij}]$ ماتریس $n \times d$ میزان دستیابی افراد جامعه به ابعاد مدنظر را نشان می‌دهد که $y_{ij} \geq 0$ میزان دستیابی فرد i ام ($i=1, \dots, n$) را در بعد j ام ($j=1, \dots, d$) را نشان می‌دهد. به عبارتی، بردار ردیفی y_i میزان کل دستیابی فرد i ام و بردار ستونی y_j میزان توزیع بعد j ام در بین همه‌ی افراد نشان می‌دهد. دامنه ماتریس دستیابی برابر با $\{y \in R_+^{nd} : n \geq 1\}$ است. $z_j \geq 0$ نشانگر سطح آستانه‌ی محرومیت در بعد j ام است؛ در صورتی که سطح دستیابی فرد

کمتر از این حد باشد، در این بعد محروم در نظر گرفته می‌شود. بردار ردیفی Z سطح آستانه‌ی محرومیت‌ها را نشان می‌دهد. روش اندازه‌گیری چند بعدی فقر از دو مرحله شناسایی و محاسبه شاخص ترکیبی تشکیل شده است. تابع شناسایی $\rho: R_+^d \times R_+^d \rightarrow \{0, 1\}$ با استفاده از بردار دستیابی فرد $y_i \in R_+^d$ و بردار سطح آستانه Z در R_+^d ، $\rho = (y_i, Z)$ در صورتی که فرد فقیر باشد و $\rho = (y_i, Z) = 0$ در صورتی که فرد فقیر نباشد را نشان می‌دهد. به کار بستن ρ به بردار دستیابی هر یک از افراد، مجموعه $Z \subseteq \{1, \dots, n\}$ از افراد محروم در Y به ازاء مقادیر معین Z را ارائه می‌دهد (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱).

به ازاء مقادیر معین Y ، ماتریس $g = [g_{ij}]$ متشکل از اعداد صفر و یک است: اگر $y_{ij} \leq z_j$ باشد آنگاه $g_{ij} = 0$ ؛ در غیر این صورت، $g_{ij} = 1$ در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی، g ماتریس $n \times d$ است که عنصر j ام آن در صورتی یک می‌باشد که فرد i ام در بعد j ام محروم باشد. g نامین بردار ردیفی g^* - که آن را g_i^* می‌نامیم - محرومیت‌های فرد i ام را نشان می‌دهد. از ماتریس g^* بردار ستونی جمع محرومیت‌ها c به دست می‌آید که عنصر i ام آن $c_i = |g_i^*|$ ، شمار محرومیت‌هایی را که فرد i ام رنج می‌برد، نشان می‌دهد. لازم به یادآوری است که حتی اگر متغیرهای تشکیل دهنده ماتریس Y رتبه‌ای باشند، می‌توان g^* و c را به دست آورد. برای شناسایی فقراء، در صورتی که میزان محرومیت‌های فرد بیش از یک حد مشخص باشد، فقیر تلقی می‌شود. به ازاء میزان معین $\rho_k, k=1, \dots, d$ تابع شناسایی فقرا به این صورت تعریف می‌شود که $\rho_k(y_i; Z) = 1$ در صورتی که $c_i \geq k$ و $\rho_k(y_i; Z) = 0$ هنگامی که $c_i < k$ باشد. به عبارتی، ρ_k تعیین می‌کند که فرد i ام فقیر است در صورتی که در دست کم k بعد محروم باشد. در مرحله بعد، درصد جمعیت فقراء و شدت فقر محاسبه می‌شود. درصد فقرا $H = H(y; Z)$ به صورت $H = q/n$ و $q = q(y; Z) = \sum_{i=1}^n \rho_k(y_i; Z)$ تعریف می‌شود. برای محاسبه شدت فقر، مجموع بردار مخفی (سانسور) شده‌ی محرومیت‌ها $c(k)$ را که در آن $c_i(k) = \rho_k(y_i; Z)c_i$ می‌باشد؛ به دست می‌آوریم. میانگین شدت فقر در میان فقراء برابر با $A = |c(k)| / (qd)$ است (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱).

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش برای سنجش فقر چند بعدی را نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران تشکیل می‌دهد. به عبارتی،

ارزیابی فقر چند بعدی... ۵۳

پس از بررسی نتایج تفصیلی ایلی و فرهنگ عشایری سرشماری، متناسب با هر معیار، محاسبه-های لازم انجام پذیرفته است.

در این بررسی، فقر بر پایه سه بعد آموزش (چهار معیار)، سلامت و بهداشت (پنج معیار) و استاندارد زندگی (هشت معیار) به طور جداگانه برای ایل‌ها سنجیده شده است. ابعاد مورد استفاده بر پایه شاخص فقر چند بعدی برنامه عمران سازمان ملل می‌باشد (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱). همچنین، معیارها نیز باتوجه به نوع ماهیت زندگی عشایر، هدف‌های توسعه هزاره، معیارهای شاخص فقر چند بعدی گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد و داده-های موجود در سرشماری عشایر گزینش شده است (آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۰). معیارهای هریک از این ابعاد در جدول (۲) آورده شده است. بنابر تعریف سازمان ملل متحد، هر فردی که در سن مدرسه رفتن باشد، اما تحصیل نکند، انسانی محروم در بعد آموزش در نظر گرفته می-شود. همچنین، بی‌سوادی بزرگسالان نیز از معیارهای مهم در بعد آموزش می‌باشد. این دو معیار در بعد آموزش در سنجش فقر ایل‌ها استفاده شده است. برنامه عمران سازمان ملل متحد برای سنجش فقر در بعد سلامتی از دو معیار میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و سوء تغذیه کودکان و مادران استفاده می‌کند. با توجه به نداشتن دسترسی به داده‌های مورد نیاز این معیارها در سرشماری عشایر؛ بر پایه اهداف مورد توافق توسعه در سطح جهان مانند هدف‌های توسعه هزاره و همچنین اطلاعات موجود در سرشماری، در بعد بهداشت و سلامتی؛ معیارهای دسترسی به امکانات واکسیناسیون، پزشک سیار، سرویس بهداشتی، مراکز بهداشتی و درمانی و مامای آموزش دیده در نظر گرفته شده است. با توجه به شیوه سکونت عشایر بر پایه بیلاق و قشلاق و شرایط آب و هوایی و همچنین اطلاعات موجود در سرشماری، در بعد استاندارد زندگی؛ وضعیت سکونتگاه عشایر در نظر گرفته نشده است. همچنین، بررسی نوع دسترسی عشایر به آب آشامیدنی نشان می‌دهد که درصد بسیار بالایی از عشایر منبع آب آشامیدنی‌شان رودخانه، چشمه و قنات می‌باشد که امکان داوری در مورد سالم و بهداشتی بودن این منابع وجود ندارد. از سویی، با توجه به ماهیت زندگی کوچ نشینی عشایر و وابستگی درآمد و معاش آنها به دامداری، معیارهای سرانه دام سبک (گوسفند، بره، بز و بزغاله) و سنگین (اسب، استر، قاطر، شتر، گاو، گاو میش و الاغ) هر ایل به عنوان یکی از معیارهای بعد استاندارد زندگی لحاظ شده است. دیگر معیارهای این بعد، دسترسی به برق عمومی، نوع سوخت برای پخت و پز، دسترسی به رادیو، ضبط و تلویزیون، تلفن همراه و ثابت و وسایل نقلیه موتوری و دسترسی به

تعاونی و فروشگاه عشایری می‌باشد که بر پایه معیارهای شاخص فقر سازمان ملل متحد می‌باشد (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱). همچنین، از آنجا که مدت زمان کوچ عشایر و اقامت آنها در ییلاق و قشلاق با هم برابر نیست (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷)؛ برای محاسبه درصد دسترسی به خدمات و امکانات، مدت زمان ییلاق و قشلاق هر ایل به صورت نسبی مبنای ارزیابی قرار گرفته است.

از سویی، آستانه اول محرومیت در هر معیار (Z)، صدک سی‌ام هر معیار و آستانه دوم فقر (k)، بر پایه مقدار مدنظر در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، برابر با ۰/۳ در نظر گرفته شده است. با توجه به اهمیت گزینش مقادیر آستانه در سنجش فقر چند بعدی، حساسیت نتایج میزان و شدت فقر به ازاء مقادیر مختلف (Z) و (k) مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، وزن ابعاد سه‌گانه و وزن معیارها در هر بعد بنا بر رویه گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، بکسان در نظر گرفته شده است. بنابراین، وزن معیارهای ابعاد آموزش، سلامت و بهداشت و استاندارد زندگی به ترتیب ۱/۱۲، ۱/۱۵ و ۱/۱۸ می‌باشد. برای محاسبه شاخص ترکیبی فقر از میانگین وزنی محرومیت‌ها استفاده شده است (اتکینسون، ۲۰۰۲؛ برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱).

جدول (۲) ابعاد و معیارهای مورد استفاده در سنجش فقر عشایر

ابعاد	معیارها
آموزش	۱- مردان در سن ۶ تا ۱۴ سال که از تحصیل محروم هستند؛ ۲- زنان در سن ۶ تا ۱۴ که از تحصیل محروم هستند؛ ۳- بی‌سوادی مردان؛ ۴- بی‌سوادی زنان
سلامت و بهداشت	۱- دسترسی نداشتن به واکسیناسیون؛ ۲- دسترسی نداشتن به مامای آموزش دیده؛ ۳- دسترسی نداشتن به سرویس بهداشتی؛ ۴- دسترسی نداشتن به مراکز درمانی؛ ۵- دسترسی نداشتن به پزشک سیار
استاندارد زندگی	۱- دسترسی نداشتن به برق عمومی؛ ۲- نداشتن وسایل نقلیه موتوری؛ ۳- استفاده از چوب، ذغال و کود حیوانی برای پخت و پز؛ ۴- دسترسی نداشتن به رادیو، ضبط و تلویزیون؛ ۵- دسترسی نداشتن به تلفن همراه و ثابت؛ ۶- دسترسی نداشتن به تعاونی و فروشگاه عشایری؛ ۷- سرانه دام سبک؛ ۸- سرانه دام سنگین

از دیگر سوی، برای ارزیابی آنکه شاخص ترکیبی فقر تا چه میزان اطلاعات متفاوت و جدیدی از معیارهای تک‌بعدی ارائه می‌دهد؛ میزان ارتباط شاخص فقر چندبعدی و اجزاء تشکیل دهنده آن با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (لارسن و ویل‌فورد، ۱۹۷۹؛ مک‌گیل‌وری، ۱۹۹۱). در صورتی که میزان ضرائب همبستگی بیش از ۰/۷ باشد؛ در

اصطلاح شاخص ترکیبی را اضافی یا تکراری^۱ می‌گویند و نشانگر آن است که نتایج متفاوت ارائه نمی‌دهد (کاهیل ۲۰۰۵). در این بررسی نیز نتایج شاخص فقر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

نتایج و بحث

جامعه مورد بررسی را ۲۱ ایل بزرگ کشور با جمعیت در حدود ۶۲۵ هزار نفر تشکیل می‌دهد. ایل بختیاری و افشار به ترتیب دارای بیشترین و کمترین جمعیت با ۱۴۰ و ۶/۶ هزار نفر می‌باشند. با توجه به اینکه عشایر مکان مشخص و ثابتی برای اقامت و زندگی کردن ندارند و یک ایل ممکن است ییلاق و قشلاق خود را در دو یا چند استان متفاوت بگذرانند؛ نمی‌توان محل استقرار عشایر را بر حسب اسکان در استانی خاص مشخص نمود. از سویی، بعد خانوار در میان ایل‌های عشایر به صورت میانگین ۵/۷ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷) که بالاتر از بعد خانوار در کشور - ۴/۰۳ و ۳/۵۵ نفر در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰- می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰). از جمله دلایل بالا بودن بعد خانوار در جامعه عشایری را می‌توان به فرهنگ حاکم بر جامعه عشایری، شیوه زندگی و نیاز به نیروی انسانی برای کمک در نگهداری دام، نداشتن دسترسی لازم و مناسب در مقایسه با جامعه شهری به وسایل بهداشتی و پیش‌گیری، هزینه پایین فرزندان نسبت به جامعه شهری و روستایی اشاره نمود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

بعد آموزش

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که ۲۷ و ۴۶ درصد از مردان و زنان عشایر بی‌سواد هستند؛ در حالی که میزان باسوادی مردان و زنان روستایی و شهری به طور میانگین به ترتیب ۸۷ و ۷۹ درصد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). از دیگر سوی، حدود ۲۵ و ۳۲ درصد پسران و دختران در سن مدرسه رفتن عشایر، تحصیل نمی‌کنند؛ ولی، بیش از ۹۰ درصد پسران و دختران ۶ تا ۱۴ ساله‌ی خانوارهای ساکن کشور در حال تحصیل هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بنابراین، میزان بی‌سوادی و تحصیل نکردن عشایر به ویژه زنان و دختران در مقایسه با جامعه شهری و روستایی بسیار بالاتر می‌باشد. از سویی، درصد بی‌سوادی زنان به طور میانگین ۱۸ درصد بیش از مردان می‌باشد. بیش از نیمی از زنان در ایل‌های ذلکی، میلان، میوند و بهمنی بی‌سواد هستند. همچنین، بیش از نیمی از دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال در ایل‌های

^۱ Redandant

ذلکی، میلان و میوند، از تحصیل محروم هستند. از مهم‌ترین دلایل تحصیل نکردن دختران و بی‌سوادی زنان عشایر می‌توان به شیوه‌ی زندگی عشایری و نداشتن دسترسی راحت و آسان به مدرسه برای تحصیل دختران مانند طی مسیر طولانی و یا مخالفت خانواده آنان اشاره نمود.

جدول (۳) وضعیت تحصیل و بی‌سوادی در ایل‌های برگزیده (درصد)

نام ایل	بی‌سوادی زنان	بی‌سوادی مردان	دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال که تحصیل نمی‌کنند	پسران در سن ۶ تا ۱۴ سال که تحصیل نمی‌کنند
ذلکی	۷۰	۴۸	۵۹	۳۲
میلان	۵۵	۲۳	۵۰	۳۰
میوند	۵۶	۳۹	۵۰	۳۳
جلالی	۴۷	۲۱	۴۲	۲۳
بهمئی	۵۶	۳۲	۴۱	۲۱
بلوچ	۴۹	۴۰	۳۸	۳۱
بختیاری	۴۹	۳۲	۳۷	۲۳
هرکی	۶۰	۲۸	۳۵	۱۶
میانگین	۴۶	۲۸	۳۲	۲۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

بعد بهداشت و سلامت

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد میزان دسترسی به امکانات بهداشتی در عشایر کوچنده در تمامی معیارها بسیار پایین بوده، به ترتیب تنها ۶، ۲۴، ۲۲ و ۱۲ درصد از رده‌ها به مامای آموزش‌دیده، مراکز بهداشتی، سرویس بهداشتی و پزشک سیار دسترسی دارند. وضعیت در خانوارهای ساکن کشور به مراتب بهتر می‌باشد؛ به عنوان مثال، بیش از ۹۹ درصد واحدهای مسکونی شهری و روستایی دارای سرویس بهداشتی می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). از دیگر سوی، تفاوت‌هایی نیز بین ایل‌ها وجود دارد و ایلی مانند هرکی، به تقریب به هیچکدام از این امکانات دسترسی ندارد. هرچند وضعیت استفاده از واکسیناسیون شرایط بهتری دارد و در حدود ۵۴ درصد از رده‌ها دسترسی لازم را دارند. با توجه به اهمیت سلامت و بهداشت مادران و کودکان و همچنین تاکید بر آن در هدف‌های توسعه هزاره، عشایر کشور در بعد بهداشت در وضعیت نامطلوبی هستند.

جدول (۴) وضعیت دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی در رده‌های ایل‌های برگزیده (درصد)

ایل	واکسیناسیون	مامای آموزش دیده	مراکز-درمانی بهداشتی	سرویس بهداشتی	پزشک سیار
هرکی	۵	۰	۱	۲	۳
میلان	۲۰	۱	۶	۹	۴
شاهسون	۲۶	۲	۱۱	۲۱	۷
بهمئی	۳۵	۷	۲۳	۱۸	۱۱
قره داغ	۳۵	۵	۱۱	۱۸	۹
جلالی	۴۲	۱	۵	۴	۸
جبال بارزی	۴۲	۲	۱۰	۱۶	۱۰
بلوچ	۴۳	۴	۱۳	۱۵	۸
میانگین	۵۴	۶	۲۴	۲۲	۱۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

بعد استاندارد زندگی

جدول (۵) معیارهای مدنظر در بعد استاندارد زندگی را نشان می‌دهد. سرانه دام سبک و سنگین عشایر به طور میانگین به ترتیب ۱۶/۴ و ۰/۴ راس می‌باشد. همچنین، به جزء ایل‌های ذالکی، جبال و بلوچ که زیر ۱۰ درصد دسترسی به تلفن دارند؛ در حدود نیمی از خانوارهای دیگر ایل‌ها، دسترسی به تلفن دارند. در میان امکانات در اختیار خانوارها، بالاترین دسترسی مربوط به رادیو و تلویزیون (۶۹ درصد) می‌باشد. از سویی، پایین‌ترین سطح دسترسی مربوط به برق عمومی می‌باشد که رده‌های ایل‌های مانند قره‌داغ، میلان و طیبی تنها ۵ درصد و از دیگر سوی، رده‌های ایل‌های کرد و افشار حدود ۴۰ درصد دسترسی دارند.

ارزیابی فقر چند بعدی... ۵۹

جدول (۵) وضعیت خانوارها و رده‌های ایل‌های کشور در بعد استاندارد زندگی (درصد)

نام ایل	سرانه دام (راس)*		امکانات در اختیار خانوار		دسترسی رده به			سوخت پخت و پز خانوار (نفت سفید، گازوئیل و گاز)
	گاو	گوسفند	تلفن و آب سرد	تلفن و آب گرم	موتوری	وسایل نقلیه	شرکت تعاونی و فروشگاه عشایری	
قشقای	۲۰/۴	۰/۳	۵۳	۶۰	۸۷	۵۹	۱۲	۴۴
بختیاری	۱۱/۸	۰/۴	۲۰	۶۵	۸۲	۱۱	۲۱	۱۸
شاهسون	۱۹/۸	۰/۶	۷۲	۹۰	۷۲	۳۹	۱۲	۹۴
قره داغ	۱۷/۲	۰/۷	۸۹	۹۰	۷۱	۴۳	۲	۸۵
خمسه	۲۵/۶	۰/۲	۵۰	۵۳	۷۳	۸۱	۱۵	۴۱
میوند	۱۴/۳	۰/۵	۱۷	۶۱	۷۵	۲۲	۲۵	۱۲
بویراحمدهسقلی	۱۱/۵	۰/۴	۲۵	۶۷	۷۳	۲۱	۲۱	۱۲
کلهر	۲۰/۳	۰/۳	۴۷	۷۰	۸۸	۲۱	۲۱	۴۴
جلالی	۲۰/۶	۰/۹	۷۵	۹۶	۶۶	۲۷	۳	۸۴
بلوچ	۱۶/۴	۰/۴	۹	۴۸	۴۴	۵۹	۳۸	۳۲
ممسنی	۱۱/۴	۰/۳	۴۴	۶۳	۷۶	۲۶	۲۵	۱۲
طیپی	۹/۷	۰/۴	۲۱	۵۶	۶۰	۲۰	۵	۱
میلان	۱۹/۴	۰/۲	۶۵	۹۴	۵۱	۴۲	۲	۹۰
کرد	۲۰/۵	۰/۴	۴۵	۶۱	۳۵	۴۰	۴۳	۳۴
بهمنی	۱۱/۵	۰/۴	۱۹	۵۹	۴۱	۲۲	۱۹	۱۰
افشار	۱۹/۹	۰/۱	۳۱	۶۶	۵۶	۵۹	۳۹	۵۱
هرکی	۱۲/۲	۰/۶	۵۴	۹۸	۴۵	۲۸	۳	۵۵
قلخانی	۱۳/۲	۰/۳	۵۸	۶۱	۸۶	۵۱	۳۰	۳۷
ذلکی	۱۰/۴	۰/۵	۴	۸۳	۳۳	۵	۲۱	۸
جبال	۲۴/۴	۰/۴	۵	۴۶	۴۳	۲۸	۳۶	۱۶
بویراحمده علیا	۱۳/۶	۰/۴	۲۹	۶۵	۹۱	۲۰	۴۱	۲۳
میانگین	۱۶/۴	۰/۴	۴۰	۶۹	۶۴	۳۴	۲۱	۳۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، *محاسبه‌های تحقیق

از سویی، میزان دسترسی خانوهای ساکن به برق، آب لوله کشی و تلفن ثابت به ترتیب ۹۹، ۹۶ و ۷۸ درصد است و کمتر از یک درصد از سوخت جامد برای پخت و پز استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد عشایر شرایط چندان مناسبی در این بعد نیز ندارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

لازم به یادآوری است که میزان دسترسی عشایر به امکانات تا حدوی به مدت زمان بیلاق و قشلاق ایل وابسته است. هرچند در بررسی فقر، فارغ از شرایط آب و هوایی و نوع سکونت، شرایط فرد به عنوان یک انسان از نظر برخورداری از قابلیت‌های اولیه انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از میان ۸ معیار مدنظر در این بعد، ۵ معیار همسو با شاخص فقر چند بعدی سازمان ملل می‌باشد.

محاسبه شاخص فقر چند بعدی

با استفاده از روش آلکایر و فوستر و با در نظر گرفتن سه بعد و ۱۷ معیار، شاخص ترکیبی فقر هر ایل برآورد شده است. جدول (۶) نتایج محاسبه شاخص ترکیبی فقر را نشان می‌دهد. شاخص ترکیبی فقر، عددی بین صفر و یک می‌باشد که در صورت محرومیت ایلی در همه ابعاد، یک و نبود محرومیت در هیچ معیاری، صفر می‌شود. با در نظر گرفتن سطح آستانه دوم ۳۰ درصد ($k=0/3$)، میزان و شدت فقر در ایل‌ها به ترتیب ۴۲ و ۴۶ درصد خواهد بود. به عبارتی، ۴۲ درصد ایل‌ها در دست کم ۳۰ درصد معیارهای مدنظر محروم و به طور متوسط شدت محرومیت آنها ۴۶ درصد می‌باشد.

بر پایه شاخص فقر چند بعدی، ایل‌های ذالکی، میلان، بهمنی، هرکی، بلوچ، میوند، طیبی، جلالی و جبال بارزی فقیر می‌باشند. با در نظر گرفتن ۲۰ درصد محرومیت در ابعاد ($k=0/2$)، ایل‌های بختیاری، افشار، شاهسون و ممسنی در آستانه فقر قرار دارند. در میان ایل‌های محروم، فقر در شماری از ایل‌ها شدیدتر می‌باشد؛ به طوری که ایل‌های ذلکی، میلان و بهمنی به ترتیب در ۵۹ و ۵۳ درصد معیارها محروم می‌باشند. همچنین، شدت فقر در ابعاد مختلف در میان این ایل‌ها یکسان نمی‌باشد؛ ایل ذالکی در ابعاد آموزش و استاندارد زندگی و ایل میلان در بعد سلامت محروم‌تر می‌باشند.

ارزیابی فقر چند بعدی... ۶۱

جدول (۶) اندازه گیری شاخص فقر چند بعدی در عشایر کوچنده

مجموع	استاندارد زندگی	بهداشت	آموزش	محرومیت در ابعاد (درصد)		شاخص فقر	نام عشایر	رتبه
				آستانه فقر $k=0/2$	آستانه فقر $k=0/3$			
۵۹	۶۳	۲۰	۱۰۰	-	فقیر	۰/۶۰۸	ذلکی	۱
۵۳	۲۵	۱۰۰	۵۰	-	فقیر	۰/۵۸۳	میلان	۲
۵۳	۶۳	۲۰	۷۵	-	فقیر	۰/۵۲۵	بهمئی	۳
۴۷	۲۵	۱۰۰	۲۵	-	فقیر	۰/۵	هرکی	۴
۴۱	۳۸	۲۰	۷۵	-	فقیر	۰/۴۴۲	بلوچ	۵
۳۵	۲۵	۰	۱۰۰	-	فقیر	۰/۴۱۷	میوند	۶
۴۷	۶۳	۶۰	۰	-	فقیر	۰/۴۰۸	طیپی	۷
۳۵	۱۳	۸۰	۲۵	-	فقیر	۰/۳۹۲	جلالی	۸
۳۵	۳۸	۴۰	۲۵	-	فقیر	۰/۳۴۲	جبال بارزی	۹
۲۹	۳۸	۰	۵۰	آستانه فقر	-	۰/۲۹۲	بختیاری	۱۰
۲۴	۱۳	۴۰	۲۵	آستانه فقر	-	۰/۲۵۸	افشار	۱۱
۲۴	۱۳	۶۰	۰	آستانه فقر	-	۰/۲۴۲	شاهسون	۱۲
۲۴	۳۸	۰	۲۵	آستانه فقر	-	۰/۲۰۸	ممسنی	۱۳
۱۸	۱۳	۲۰	۲۵	-	-	۰/۱۹۲	کرد	۱۴
۱۸	۱۳	۴۰	۰	-	-	۰/۱۷۵	قره داغ	۱۵
۱۸	۳۸	۰	۰	-	-	۰/۱۲۵	بویراحمد	۱۶
۱۲	۲۵	۰	۰	-	-	۰/۰۸۳	قشقایی	۱۷
۱۲	۲۵	۰	۰	-	-	۰/۰۸۳	خمسه	۱۷
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	کلهر	۱۸
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	قلخانی	۱۸
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	بویراحمد	۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

از سویی، ایل‌های بویراحمد علیا، قلخانی و کلهر بهترین جایگاه و موقعیت از نظر فقر را در میان ۲۱ ایل عشایر دارند. ایل‌های پرجمعیت بختیاری و قشقایی نیز به ترتیب در شرایط آستانه فقر و نبود فقر قرار دارند.

تحلیل حساسیت مقادیر آستانه

گزینش مقادیر متغیرهای آستانه اول و دوم، اهمیت فراوانی در محاسبه شاخص‌های میزان و شدت فقر دارد. در این بررسی، آستانه اول (حد محرومیت در هر معیار) برابر با صدک سی‌ام هر معیار و آستانه دوم (حد فقر شاخص ترکیبی هر ایل) برابر با ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است. به عبارتی، هر ایل در صورتی که به طور میانگین در ۳۰ درصد معیارها محروم باشد؛ فقیر تلقی می‌شود. جداول (۷) و (۸) میزان فقر (H) و شدت فقر (A) را بر حسب مقادیر مختلف آستانه اول (Z) و آستانه دوم (k) نشان می‌دهد.

جدول (۷) تحلیل حساسیت میزان فقر (H) در عشایر کوچنده (درصد)

آستانه اول (Z)					
۰/۴۵	۰/۴	۰/۳۵	۰/۳	۰/۲۵	
۱۰۰	۹۰/۵	۸۵/۷	۷۶/۲	۶۶/۷	۰/۱
۸۵/۷	۷۶/۲	۷۱/۴	۶۱/۹	۴۲/۹	۰/۲
۷۱/۴	۶۱/۹	۶۱/۹	۵۲/۴	۴۲/۹	۰/۲۵
۶۱/۹	۵۲/۴	۵۲/۴	۴۲/۹	۳۸/۱	۰/۳
۴۷/۶	۴۷/۶	۴۷/۶	۳۸/۱	۳۳/۳	۰/۳۵
۴۷/۶	۴۷/۶	۴۲/۹	۳۳/۳	۲۳/۸	۰/۴
۳۸/۱	۳۳/۳	۲۸/۶	۱۴/۳	۱۴/۳	۰/۵
۲۸/۶	۱۹	۹/۵	۴/۸	۴/۸	۰/۶

آستانه دوم (k)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) نشان می‌دهد که با فرض آستانه اول برابر با صدک بیست و پنجم‌ام و آستانه دوم برابر با ۰/۳۵؛ میزان فقر در عشایر ۳۳ درصد خواهد بود. از سویی، به ترتیب با افزایش و کاهش Z و k، میزان فقر افزایش می‌یابد. همچنین با فرض $k=0/3$ (مقدار مدنظر در مطالعات سازمان ملل متحد)، میزان فقر در عشایر کوچنده به ازاء مقادیر مختلف Z، ۳۸ تا ۶۲ درصد می‌باشد. با فرض $k=0/35$ ، بر حسب مقادیر مختلف Z، میزان فقر تنها از ۳۳ تا ۴۷ درصد دارای تغییرات می‌باشد.

ارزیابی فقر چند بعدی... ۶۳

جدول (۸) تحلیل حساسیت شدت فقر (A) در عشاير كوچنده (درصد)

آستانه اول (Z)					
۰/۴۵	۰/۴	۰/۳۵	۰/۳	۰/۲۵	
۴۲/۹	۴۱/۲	۳۸	۳۵/۷	۳۳/۳	۰/۱
۴۷/۷	۴۶/۴	۴۲/۸	۴۰/۱	۴۳/۵	۰/۲
۵۲/۸	۵۱/۷	۴۶	۴۳/۳	۴۳/۵	۰/۲۵
۵۶/۳	۵۶/۱	۴۹/۶	۴۶/۹	۴۵/۵	۰/۳
۶۳/۵	۵۸/۶	۵۱/۵	۴۸/۴	۴۷/۴	۰/۳۵
۶۳/۵	۵۸/۶	۵۳/۱	۴۹/۸	۵۱/۷	۰/۴
۶۷/۴	۶۳/۱	۵۶/۸	۵۷/۲	۵۷/۲	۰/۵
۷۲/۱	۷۰	۶۵	۶۰/۸	۶۰/۸	۰/۶

آستانه دوم (k)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحليل نتايج شدت فقر نيز نشان می‌دهد که همگام با افزایش Z و k، شدت فقر افزایش می‌یابد. با فرض $k=0/3$ ، میانگین شدت فقر برحسب مقادير مختلف Z، برابر با ۰/۴۵ تا ۰/۵۶ است.

ارزیابی میزان رابطه همبستگی شاخص فقر و اجزاء تشکیل دهنده آن

دلیل استفاده از شاخص‌های فقر ترکیبی مانند فقر چند بعدی آن است که استفاده از معیارهای- های تک بعدی دارای کاستی‌هایی می‌باشد. نتایج بررسی رابطه همبستگی بین شاخص ترکیبی فقر و اجزاء آن نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین شاخص فقر و دارایی‌های ایل‌ها مانند سرانه دام سبک و سنگین، استفاده از وسایل نقلیه موتوری و تلفن وجود ندارد (جدول ۹). بنابراین، استفاده از این متغیرها برای سنجش فقر نتایجی متفاوت از فقر ترکیبی خواهد داشت. به عبارتی، شاخص فقر ترکیبی در اصطلاح تکراری و اضافی نیست.

جدول (۹) رابطه همبستگی بین شاخص ترکیبی فقر و اجزاء آن

شاخص فقر چند بعدی	متغیر
-۰/۰۶۹	پسران در سن تحصیل که مدرسه می روند
-۰/۷۰۲**	دختران در سن تحصیل که مدرسه می روند
-۰/۵۴۳*	با سواد مردان
-۰/۷۳۵**	با سواد زنان
-۰/۴۶۴*	واکسیناسیون
-۰/۳۰۹	دسترسی به مامای آموزش دیده
-۰/۶۳۵**	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
-۰/۵۹۸**	دسترسی به سرویس بهداشتی
-۰/۵۳۱*	دسترسی به پزشک سیار
-۰/۲۸۹	دسترسی به برق عمومی
-۰/۰۳۱	سوخت مصرفی برای پخت و پز
-۰/۲۸۵	سرانه دام سبک
۰/۲۵۷	سرانه دام سنگین
-۰/۳۴	استفاده از وسایل نقلیه موتوری
-۰/۳۱۲	تلفن ثابت و همراه
-۰/۷۴۶**	دسترسی به تعاونی و فروشگاه عشایری
۰/۲۹۴	رادیو ضبط و تلویزیون

مأخذ: یافته‌های تحقیق * معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد ** معنی‌داری در سطح ۵ درصد

از سویی، رابطه منفی معنی‌داری بین شاخص فقر و تحصیل دختران، باسواد مردان و زنان، دسترسی به واکسیناسیون؛ مراکز بهداشتی و درمانی؛ سرویس بهداشتی؛ پزشک سیار و تعاونی و فروشگاه عشایری وجود دارد. متغیرهای تحصیل دختران، باسواد زنان و دسترسی به فروشگاه عشایری و تعاونی، دارای ضریب همبستگی بیشتر از ۰/۷ می‌باشند که نشان می‌دهد این متغیرها می‌توانند به جای شاخص ترکیبی استفاده شوند. به بیان دیگر، ارتقاء وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به ویژه دختران و زنان و بهبود دسترسی آنان، تاثیرگذارترین متغیرها بر بهبود وضعیت فقر می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این بررسی نشان داد که ۴۲ درصد ایل‌ها در دست‌کم ۳۰ درصد معیارها محروم و به طور میانگین شدت فقر آنها ۴۶ درصد می‌باشد. از سویی، محرومیت ایل‌ها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده است. همچنان درصد بالایی از زنان عشایر بی‌سواد می‌باشند و ۳۲ درصد دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال، از تحصیل محروم هستند. عشایر از نظر دسترسی به امکانات بهداشتی دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشند؛ به ترتیب تنها ۶، ۲۴، ۲۲ و ۱۲ درصد از رده‌ها به مامای آموزش دیده، مراکز بهداشتی، سرویس بهداشتی و پزشک سیار دسترسی دارند که نشانگر شرایط نامطلوب آنان در مقایسه با خانوارهای ساکن می‌باشد.

از دیگر سوی، میزان و شدت فقر محاسبه شده مبتنی بر معیار فقر نسبی بوده است. به عبارتی، با توجه به ماهیت زندگی عشایر و نبود معیارهای مطلق برای سنجش محرومیت‌ها، ایل‌ها نسبت به یکدیگر مقایسه شده‌اند. در صورتی که معیارهای محرومیت به صورت مطلق و بر حسب استانداردهای جهانی و هماهنگ با زندگی عشایری تدوین شود؛ دور از ذهن نمی‌باشد که میزان و شدت فقر در مقایسه با خانوارهای ساکن (شهری و روستایی) بیشتر باشد. همچنین، این بررسی فقر را در بین ایل‌ها مورد مقایسه قرار داده است؛ بنابراین، توزیع و شدت فقر در درون ایل‌ها ممکن است وضعیت متفاوتی داشته باشد. همچنین، یکی از نارسایی‌های روش آلفایر و فوستر آن است که پس از اعمال آستانه دوم فقر، اطلاعات افراد غیر فقیر حذف و در محاسبه‌های بعدی در نظر گرفته نمی‌شود. هرچند پیشنهاد شده که با تحلیل حساسیت آستانه دوم، می‌توان تا حدوی این نارسایی را رفع کرد.

با توجه به آنکه تهیه شاخص‌های چندبعدی تلاشی در جهت پوشش کاستی‌های معیارهای تک‌بعدی است؛ نتایج بررسی رابطه شاخص فقر و اجزاء آن نشان داد که نتایج شاخص فقر این پژوهش همانند معیارهای تک‌بعدی نمی‌باشد و می‌تواند اطلاعات متفاوتی برای سیاست‌گذاری ارائه دهد. وجود رابطه همبستگی منفی بین این شاخص و متغیرهای تحصیل دختران، باسوادی مردان و زنان، دسترسی به واکسیناسیون، مراکز بهداشتی و درمانی، سرویس بهداشتی، پزشک سیار و تعاونی و فروشگاه عشایری دلالت بر آن دارد که ارتقاء وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به ویژه دختران و زنان و بهبود سطح دسترسی آنان، بیشترین تاثیر را در کاهش فقر دارد که در هدف‌های توسعه هزاره نیز بر آنها تاکید شده است. با توجه به انجام پژوهش‌های بسیار اندک در زمینه سنجش فقر به صورت چند بعدی در کشور، ضرورت دارد، بررسی‌های بیشتری

در زمینه گزینش ابعاد، معیارها و روش‌های محاسبه فقر چندبعدی انجام شود. همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب عشایر، انجام پژوهش‌های تکمیلی برای اندازه‌گیری فقر درون ایل‌ها و شناسایی عامل‌های تعیین کننده آن ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- افتخاری، ف.، آ. کرمی و م. نوری‌پور (۱۳۹۱) بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویر احمد، *اقتصاد کشاورزی*، ۶(۱): ۱۷۹-۲۰۴.
- امان‌الهی بهاروند، ا. (۱۳۸۸) کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات، انتشارات آگاه، تهران.
- خداداد کاشی، ف. و خ. حیدری (۱۳۸۸) اندازه‌گیری شاخص های فقر بر اساس عملکرد تغذیه- ایی خانوارهای ایرانی، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹(۳): ۲۰۵-۲۳۱.
- شوشتریان، آ. (۱۳۸۶) بررسی نهادهای تعیین کننده ی فقر روستایی با تاکید بر تعاونی‌های روستایی زنان در استان فارس، *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، مشهد.
- شیروانیان، ع. و ع. اسماعیلی (۱۳۸۸) بررسی تاثیر تغییرات قیمت بر فقر روستایی (مطالعه موردی: استان فارس)، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۲): ۱۳-۲۵.
- صمدی، س. (۱۳۷۸) کاهش فقر: کارآیی و برابری در ایران، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.
- علی مددی، م. ص. (۱۳۸۷) اندازه گیری شاخص های چندبعدی فقر در ایران سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی- گرایش اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه صنعتی شریف.
- محمودی، و. و ق. صمیمی‌فر (۱۳۸۴) فقر قابلیت‌ی، *مجله رفاه اجتماعی*، ۴(۱۷): ۵-۲۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) *سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر کوچنده، دسترسی به صورت آنلاین: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx/tabid=۶۴۷>*
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*.

Alkire, S. and J. Foster (۲۰۱۱) Counting and multidimensional poverty measurement, *Journal of Public Economics*, ۹۵(۷-۸). ۴۷۶-۴۸۷.

- Alkire, S. and M.E. Santos (۲۰۱۰) Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries, Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper No. ۳۸.
- Atkinson, A. B. (۲۰۰۲). Social Indicators: The EU and Social Inclusion. Oxford, New York: Oxford University Press.
- Bachrach, P. and M. S. Bartz (۱۹۷۰). Power and Poverty: Theory and Practice. Oxford University Press, New York.
- Cahill, M. (۲۰۰۵) Is the human development index redundant, *Eastern Economic Journal*, ۳۱(۱): ۱-۶.
- Dowrick, S. (۲۰۰۷). Income-based measures of average well-being, in McGillivray, M. (Ed), Human well-being: concept and measurement, Palgrave-Macmillan.
- Ferreira, F. (۲۰۱۱). Poverty is multidimensional. but what are we going to do about it, *Journal of Economic Inequality*, ۹(۳): ۴۹۳-۴۹۵.
- Gilder, G. (۲۰۱۲). Wealth and Poverty: A New Edition for the Twenty-First Century, Regnery Publishing.
- Klugman, J., F. Rodríguez and H. J. Choi (۲۰۱۰). The HDI ۲۰۱۰: new controversies, old critiques, *Journal of Economic Inequality*, ۹(۲): ۲۴۹-۲۸۸.
- Larson, D. A. and W. T. Wilford (۱۹۷۹). The physical quality of life index: a useful social indicator?, *World Development*, ۷(۷): ۵۸۱-۵۸۴.
- McGillivray M. and F. Noorbakhsh (۲۰۰۷) Composite indexes of human well-being: past, present and future, in McGillivray, M. (Ed), Human well-being: concept and measurement, Palgrave-Macmillan.
- McGillivray, M. (۱۹۹۱) The human development index: yet another redundant composite development indicator, *World Development*, ۱۹(۱۰): ۱۴۶۱-۱۴۶۸.
- McGillivray, M. and H. White (۱۹۹۲) Measuring development? a statistical critique of the human development index, The Hague Institute of Social Studies, Working Paper ۱۳۵.
- Nolan, B. and C. T. Whelan (۱۹۹۶). Resources, Deprivation, and Poverty. OUP Catalogue, Oxford University Press.
- Ravallion, M. (۲۰۱۱). On multidimensional indices of poverty, *Journal of Economic Inequality*, ۹(۲): ۲۳۵-۲۴۸.
- Rojas, M. (۲۰۰۸) Experienced poverty and income poverty in Mexico: a subjective well-being approach, *World Development*, ۳۶(۶): ۱۰۷۸-۱۰۹۳.

- Salehi-Isfahani, J. (۲۰۰۹) Poverty, inequality, and populist politics in Iran, *The Journal of Economic Inequality*, ۷(۱): ۵-۲۸.
- Sen, A. (۱۹۸۵) Well-being, agency and freedom: the Dewey lectures ۱۹۸۴', *The Journal of Philosophy*, ۸۲(۴): ۱۶۹-۲۲۱.
- Sen, A. (۱۹۹۳) Capability and well-being, In Nussbaum M. and A. Sen (Eds.), *The quality of life*, Clarendon Press, Oxford.
- Sen, A. (۲۰۰۰) A decade of human development, *Journal of Human Development*, ۱(۱): ۱۷-۲۳.
- Shirvanian, A. and M. Bakhshoodeh (۲۰۱۲) Investigating poverty in rural Iran: the multidimensional poverty approach, *Agricultural Sciences*, ۳(۵): ۶۴۰-۶۵۰.
- UNDP (۲۰۱۱). *Multidimensional Poverty Index (MPI)*, The United Nations.